

A Critical Review on the Book ***Theories and Schools of Finance and Accounting***

Karim Esgandari*, **Ahmad Fathi Abdollahi****
Lotfollah Taghizadeh***

Abstract

The purpose of this study is to critically review the book *Theories and Schools of Finance and Accounting*. In this research, the method of critical philosophical exploration was used to review the book. The tools used included the textbook and academic review worksheets of the Humanities Textbook Review Council. In the preface of this book, the authors introduce it for the benefit of students and the book is introduced as a source by some professors in the master's degree in accounting. On the other hand, in the Supreme Council of the Ministry of Science, among the main topics mentioned for the accounting theory course are empowering students to understand the nature of theory and reasoning methods. The results of qualitative content analysis showed that not much material was provided on these issues and the book is slightly in line with the topics of the Ministry of Science. Also, since accounting and financial theories deal mainly with controversial issues such as interest, profit and ownership, the inadequacy of clear explanations and examples and the very little use of theories of different schools, especially the school of Islam regarding financial and accounting issues and practical issues are other weaknesses of the book. In general, the book is relatively creative and innovative in terms of collecting and categorizing theories, but it has major weaknesses in terms of application in teaching.

Keywords: Accounting Theory, Financial Theory, Schools, Theorizing.

* Assistant Professor, Department of Public Administration, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran
(Corresponding Author), skandarik@pnu.ac.ir

** Instructor, Department of Accounting, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran,
ahmadfathiabdollahi@pnu.ac.ir

*** Instructor, Department of Islamic Ethics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran,
Ltaghizadeh@pnu.ac.ir

Date received: 28/12/2022, Date of acceptance: 24/04/2023



بررسی انتقادی کتاب مکاتب و تئوری‌های مالی و حسابداری

کریم اسگندری*

احمد فتیحی عبدالهی**، لطف‌اله تقی‌زاده***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی انتقادی کتاب مکاتب و تئوری‌های مالی و حسابداری است. در این پژوهش برای بررسی کتاب از روش کاوش‌گری فلسفی انتقادی استفاده شد. ابزار مورد استفاده شامل کاربرد نقد کتب درسی و دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود. این کتاب در پیش‌گفتار به‌منظور بهره‌مندی دانشجویان معرفی شده است و در مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری توسط برخی استادان به‌صورت منبع معرفی می‌شود و در شورای عالی وزارت علوم از جمله سرفصل‌های اصلی اشاره‌شده برای درس تئوری حسابداری، توان‌مندسازی دانشجویان در درک ماهیت تئوری، و روش‌های استدلال بیان شده‌اند. نتایج تحلیل محتوای کیفی نشان داد درخصوص این موارد مطالب چندانی ارائه نشده و کتاب با سرفصل‌های وزارت علوم انطباق کمی دارد. هم‌چنین، از آن‌جاکه تئوری‌های حسابداری و مالی اساساً به موارد بحث‌برانگیزی چون بهره، سود، و مالکیت می‌پردازند، ناکافی بودن تبیین‌ها و مثال‌های روشن و استفاده بسیار کم از نظریه‌های مکاتب مختلف، علی‌الخصوص مکتب اسلام، درخصوص مسائل مالی، حسابداری، و مسائل کاربردی از نقاط ضعف دیگر اثر است. به‌طور کلی، اثر از جنبه گردآوری و دسته‌بندی تئوری‌ها از خلاقیت و نوآوری نسبی برخوردار است، ولی به‌لحاظ به‌کارگیری در امر آموزش نقاط ضعف عمده‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها: تئوری حسابداری، تئوری مالی، مکاتب، تئوری‌پردازی.

* استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، skandarik@pnu.ac.ir

** مربی گروه حسابداری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، ahmadfathiabdollahi@pnu.ac.ir

*** مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، Ltaghizadeh@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴



۱. مقدمه

هدف اصلی تئوری حساب‌داری آن است که مبنایی برای پیش‌بینی و توضیح روش‌ها و روی‌دادهای حساب‌داری فراهم کند (Riahi-Belkaoui 2004). تئوری تلاش می‌کند روابط را توضیح دهد و پدیده‌ها را پیش‌بینی کند (Wolk et al. 2008). دو مکتب بیان‌شده درباره تئوری حساب‌داری مبتنی بر دو روش‌شناسی اصلی برای توسعه این تئوری هستند؛ یعنی روش‌شناسی دستوری و اثباتی. بنابراین، درحالی‌که مکتب نخست بر اصول حساب‌داری تمرکز دارد، مکتب دوم می‌کوشد روش حساب‌داری را ارزیابی کند (لاریمی و دیگران ۱۳۹۲). درواقع، گزاره اثباتی گزاره‌ای است راجع به این که «چه چیزی هست» و دربرگیرنده هیچ نوع تصدیق یا عدم تصدیق نیست؛ درحالی‌که گزاره دستوری دربرگیرنده قضاوتی است راجع به این که یک وضعیت مطلوب است یا خیر و با جملائی از جمله «چگونه باید باشد» بیان می‌شود (عرب‌مازار و صفرزاده ۱۳۸۷).

تئوری دستوری یک تئوری هدف‌گراست که وضع دنیای واقعی را به شکلی که باید باشد نشان می‌دهد، نه به صورتی که هست. این تئوری ماهیتی تجویزی دارد؛ یعنی متفاوت از تئوری‌های اثباتی است که اصول مطلوب را توضیح می‌دهند. تئوری‌های دستوری براساس مفروضات بنیادی و استنتاج از آن‌ها شکل می‌گیرند (Inanga and Schneider 2005)، اما تحقیقاتی که به نقش اجتماعی حساب‌داری توجه می‌کنند در حوزه تفسیری و خصوصاً انتقادی قرار می‌گیرند. این طیف مطالعاتی با دیدگاه غالب تحقیقاتی که اشاره شد متفاوت است. مهم‌ترین ویژگی این تحقیقات شناسایی نیاز برای ایجاد رویه تحقیقاتی است که بیش‌تر مبتنی بر بافت‌ها و ساختارهای اجتماعی، سیاسی، و تاریخی باشد. این مطالعات درواقع یک رابطه متقابل بین جامعه، تاریخ، سازمان، تئوری حساب‌داری، و رویه عمل شناسایی کرده‌اند و رویه فعلی تحقیقاتی را موردانتقاد قرار می‌دهند (Chua 1986). محققان بسیاری خواستار تمرکز بر تأثیرات اجتماعی حساب‌داری شده‌اند. حساب‌داری در مسائل اجتماعی مثل توزیع ثروت، عدالت اجتماعی، ایدئولوژی سیاسی، و آسیب‌های زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارد. محققان خواستار به‌کارگیری دیدگاه‌های تفسیری و انتقادی به‌منظور درک آثار حساب‌داری در افراد جامعه شده‌اند (Baker and Bettner 1997، به‌نقل از لاریمی و دیگران ۱۳۹۲). نتایج تحقیق شعبانی و مهرانی (۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهد که تغییر حوزه مطالعات حساب‌داری از دیدگاه اثباتی به سمت دیدگاهی است که ویژگی‌های حساب‌داری را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی بررسی کند.

روش‌ها و شیوه‌های حسابداری مدرن از همان شروع پیدایش، که مصادف با اواسط قرن پانزدهم است، با ویژگی‌های خاصی همراه بوده که این ویژگی‌های پایه‌ای تا به امروز نیز به حیات خویش ادامه داده‌اند (Litelton 1928). حسابداری دنیای امروز در خلأ رشد نیافته، بلکه محصول قرن‌ها تفکر، عمل، قرارداد، رسم، و عادت است و در واقع حسابداری دوطرفه، که ریشه در قرن چهاردهم و پانزدهم دارد، مهم‌ترین خاستگاه آن است (Lee 2013). بسیاری از تاریخ‌شناسان حسابداری بر آن‌اند که ما باید حسابداری را در بافت اجتماعی آن و به‌عنوان ابزار قدرت و سلطه درک کنیم. حسابداری رویه‌ای است که بنیان‌های اجتماعی آن عینی و نظام‌مند است و بنابراین امکان آزمون تجربی هم برای آن فراهم است (Bryer 2000). از طرفی، به‌دلیل تأثیرات حیاتی مسائل مطرح در تئوری‌های حسابداری و مالی و اهمیت مباحثی چون مالکیت، بهره، و سود در زندگی افراد جامعه اهمیت بررسی و نقد محتوایی که دربرگیرنده این تئوری‌ها باشند بیش‌ازپیش آشکار شده و توجه پژوهش‌گران را به سمت‌وسوی تحقیق در این زمینه‌ها جلب کرده است. مثلاً، از جمله مباحثی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که کتاب‌های درسی حسابداری و آموزش حسابداری با تلقین عقلانیت اقتصاد نئوکلاسیک و مخصوصاً پیروی از نفع شخصی در اقتصاد نقش ایدئولوژیک بر عهده گرفته‌اند (Gray et al. 1994; Chua 1986; Collison 2003; Collison et al. 2007; Collison and Frankfurter 2000; Kelly and Pratt 1994; Puxty et al. 1994). حسابداری از طریق آموزش و آموزش‌دهندگان آن، به‌عنوان عواملی که مشروعیت خود را در سیاست‌های کشور می‌یابند، تاحد زیادی تحت‌تأثیر فرهنگ سکولار غربی قرار گرفته است. استانداردهاگذاران حسابداری نیز با حمایت از بازار سرمایه همین موضع را اتخاذ کرده‌اند (Mulawarman and Kamayanti 2018). باید توجه کرد که آموزش حسابداری ارزش‌ها و فرضیات نظام سرمایه‌داری آنگلو-آمریکن را بازتولید و تقویت می‌کند؛ یعنی ایده‌ای که بیان می‌کند رفاه اجتماعی زمانی بیشینه می‌شود که افراد در جهت نفع شخصی خود عمل کنند و در فرایند ایجاد ثروت سهام‌داران تنها افرادی هستند که باید منافع آن‌ها بیشینه شود (Collison 2003; Collison and Frankfurter 2000; Ferguson et al. 2005, 2006, 2007, 2008).

از طرفی، به‌نظر مارکس، عوامل مادی در جامعه، مثل اقتصاد و تولید، شیوه افکار و رفتار ما را تعیین می‌کنند. او معتقد بود که کار فیلسوفان فقط تفسیر جهان به شیوه‌های گوناگون بوده است، اما مهم چگونه تغییر دادن آن است و این در واقع هدف غایی پارادایم انتقادی نیز هست. مارکس بیان می‌کرد شالوده هر دوره تاریخی ساختار اقتصادی (تولید) آن دوره است. بنا به نظر مارکس، انسان حیوان اجتماعی است با نیازهای مادی و او این نیازها را با ابزار تولید برطرف می‌کند (Singer 2001، به‌نقل از شعبانی و مهرانی ۱۳۹۸).

از نظر مارکس، تولید کالاهایی مثل لباس، رایانه، تلویزیون، و محصولات غذایی نوع زندگی سیاسی، اجتماعی، و مذهبی هر جامعه‌ای را در تاریخ معین می‌کند، چون نیازهای هر جامعه‌ای متفاوت است، مردم در این جوامع به‌گونه‌ای متفاوت می‌اندیشند. به عبارتی، تولید اقتصادی افکار ما را شکل می‌دهد. به نظر مارکس، ساختار اقتصادی نگرش هر انسانی را در جامعه زیر سلطه خود دارد (Price 2008، به نقل از شعبانی و مهرانی ۱۳۹۸). مارکس به این نتیجه رسید که اربابان فئودال برای تبدیل شدن به یک سرمایه‌دار فقط نیاز دارند رعایای خود را به کارگران حقوق‌بگیر تبدیل و به جای درآمد سود تولید کنند. به عبارت دیگر، ارباب فقط باید کارگران حقوق‌بگیر استخدام کند و ذهنیت محاسباتی‌اش را تغییر دهد. مارکس خاطر نشان می‌کند که هیچ ارزش مبادله یا هیچ بهبودی وجود نداشته، بلکه فقط یک سطح حداقلی برای زندگی است که این هدف و نتیجه استثمار نیروی کار دیگران است. بنابراین، در این جا روش مناسب حساب‌داری حساب‌های درآمد و هزینه یا دریافت و پرداخت است و این دقیقاً همان چیزی است که ارباب انگلیسی دریافت کرده است (Bryer 1993، به نقل از شعبانی و مهرانی ۱۳۹۸).

تعقیب منافع شخصی، که اصل اصلی عقل‌گرایی یا عقلانیت را در حساب‌داری مرسوم کنونی با حذف دین ایجاد می‌کند، پی‌آمدهای جدی بر جامعه دارد. مثلاً، روش‌های مختلف حساب‌داری برای ارزیابی پروژه‌ها حول منطق اقتصادی حداکثرسازی ثروت گروه‌های خاص (عمدتاً مالکان)، به جای منافع بالقوه برای کل جامعه، تکامل می‌یابد. به عبارت دیگر، براساس عقل‌گرایی، فقط پروژه‌هایی که بتوانند بیش‌ترین بازدهی را با کم‌ترین ریسک برای شرکت ایجاد کنند پیش‌فرض تصمیمات تجاری خواهند بود؛ به جای آن‌که منافع بالقوه‌ای که آن پروژه‌ها برای جامعه به‌همراه دارند در نظر گرفته شوند. اگرچه برخی استدلال می‌کنند که دنبال کردن هدف حداکثرسازی سود ممکن است منافع بالقوه‌ای را برای جامعه به‌دنبال داشته باشد، در عمل این امر همیشه اتفاق نمی‌افتد، زیرا درکل، هنگام مواجهه با معاملات، شرکت‌ها معمولاً گروه قدرت‌مندتر یا غالب سهام‌داران را به‌جای کارکنان یا جامعه ترجیح می‌دهند. ایجاد تعادل بین منافع شخصی و منافع اجتماعی دشوار است؛ در نتیجه حساب‌داری به‌عنوان ابزاری برای عده‌ای معدود و قدرت‌مندترین گروه‌ها در جهت حداکثرسازی ثروت به هزینه دیگران در جامعه تبدیل می‌شود و این دیدگاهی فردگرایانه و افراطی است. این درحالی است که در اسلام منافع شخصی در سطح پایین‌تر غریزه طبیعی نهفته در انسان‌ها قرار دارد و آن‌ها از شعور و آگاهی در سطح بالاتری استفاده می‌کنند تا به آن‌ها اجازه دهد در محیط متمدن با هم زندگی کنند تا بدین ترتیب از قلمرو حیوانات متمایز شوند. به‌طور خلاصه، اسلام انسان را

نه تنها به‌عنوان انسان اقتصادی، بلکه به‌عنوان انسان اخلاقی و مذهبی به‌رسمیت می‌شناسد (Haniffa and Hudaib 2011).

با ارائه قوم‌شناسی حساب‌داری اسلامی (islamic accounting anthropology) امید می‌رود اسلام مفهوم منفعت شخصی را با رفاه برای جامعه به‌عنوان مبنای حساب‌داری جای‌گزین کند و ارتقا دهد. در حساب‌داری منافع شخصی در نظریه‌های حساب‌داری مانند تئوری حساب‌داری اثباتی، تئوری شخصیت، و تئوری نمایندگی جای گرفته است و، بنابراین، حساب‌داری به ابزاری برای حمایت از جامعه‌نولیبرال تبدیل شده است. قوم‌شناسی حساب‌داری اسلامی به بازتولید آن حساب‌داری کمک می‌کند که با در نظر گرفتن ارزش‌های اسلامی ریشه در خرد و ضرورت محلی دارد. مفاهیم عملی قوم‌شناسی حساب‌داری اسلامی نشان می‌دهد که آموزش حساب‌داری باید به‌سمت انسان‌شناسی جدا از مفهوم شرق‌گرایی - سکولاریسم باشد. این تغییر را می‌توان با ادغام قوم‌شناسی حساب‌داری اسلامی در برنامه‌دستی آموزش حساب‌داری انجام داد. اصالت یا ارزش حساب‌داری اسلامی و قوم‌شناسی دو موضوعی هستند که به‌ندرت به‌طور هم‌زمان مورد بحث قرار می‌گیرند (Mulawarman and Kamayanti 2018). شیوه‌های حساب‌داری از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر به‌دلیل عوامل تاریخی، قانونی، مذهبی، و فرهنگی متفاوت‌اند، همان‌طور که نوآوری‌های علمی مختلف در کشورهای مختلف به دلایل تاریخی و فرهنگی رواج بیش‌تری دارند (Velayutham 2014; Said 2003). این‌که آیا مفروضات زیربنایی حساب‌داری مرسوم با ارزش‌های اسلامی ناسازگار است و آیا به اهداف و مفروضات جدید حساب‌داری نیاز است، سؤالی است که باید پاسخ داده شود (Velayutham 2014).

باتوجه به چنین مسائلی، نگارش کتاب و اجرای پژوهش در زمینه نظریه‌های حساب‌داری و مالی که بتواند مسائل و تضادهای مطرح در این زمینه‌ها را به‌شیوه‌ای تحلیلی بیان کند و راه‌نمای راستین عمل حساب‌داری آن هم در جامعه‌ای اسلامی باشد، از جمله دغدغه‌های جامعه و محافل علمی و حرفه‌ای رشته‌های مالی و حساب‌داری در عصر حاضر است. همان‌طور که از این مطالب آشکار است، تجمیع تئوری‌های مختلف حساب‌داری و مالی، که بر ارزش‌ها و فرضیات نظام سرمایه‌داری تأکید می‌کنند، در یک کتاب تئوری و ارائه وجهه‌ای جامع به این مجموعه نه امری ممکن است و اگر هم امکان‌پذیر باشد، مطرح‌شدن صرف آن‌ها نمی‌تواند چندان مفید باشد، بلکه، همان‌طور که اشاره شد، به‌نظر می‌رسد باید حساب‌داری را در بافت اجتماعی آن و به‌عنوان ابزار قدرت و سلطه درک کنیم و به مکاتب گوناگون مطرح در این

رشته به‌شکلی تحلیلی-مقایسه‌ای پردازیم. به‌علاوه، باید به کاربرد تئوری‌های مطرح در کتاب‌های تئوری با توجه به اقتضائات جامعه توجه داشته باشیم. بنابراین، سؤال اصلی که در این تحقیق با آن روبه‌رو می‌شویم این است که آیا کتاب‌های تئوری در زمینه‌های مالی و حسابداری، با توجه به نقش و اهمیت آن‌ها در زندگی افراد جامعه، توانسته‌اند نقشه راه درستی برای رویه‌های مورداعمال ترسیم کنند. هم‌چنین، سؤال اساسی دیگری که مطرح می‌شود این است که به چه میزان دانشجویان و پژوهش‌گران توانسته‌اند از این کتاب‌ها روش نظریه‌پردازی و استدلال را فراگیرند. بدین منظور، در این پژوهش یکی از کتاب‌های مطرح در حوزه تئوری‌های مالی و حسابداری با نام مکاتب و تئوری‌های مالی و حسابداری (ره‌نمای رودپشتی و صالحی ۱۳۸۹) نقد و بررسی شد. با نقد این اثر، که مؤلفان محترم هدف از تألیف آن را گردآوری کلیه تئوری‌های اصلی و مهم رشته مالی و حسابداری بیان کرده‌اند، قصد داریم، با جلب نظر پژوهش‌گران و آموزش‌دهندگان تئوری‌های مالی و حسابداری به این نوع موضوعات، زمینه‌ای برای ارائه محتوای هرچه غنی‌تر و بهتر فراهم کنیم.

۲. نقدی بر کتاب مکاتب و تئوری‌های مالی و حسابداری

۱.۲ معرفی کلی اثر

کتاب مکاتب و تئوری‌های مالی و حسابداری، نوشته فریدون ره‌نمای رودپشتی و اله‌کرم صالحی، یکی از کتاب‌های تئوری رشته حسابداری است که در حوزه تئوری‌های مالی و حسابداری مشتمل بر نظریات، فرضیات، مدل‌ها، تکنیک‌ها، و ابزارها و در ده فصل و یک پیش‌گفتار با هدف گسترش و توسعه دانش حسابداری و مالی ارائه شده است. در قسمت پیش‌گفتار کتاب، مؤلفان اشاره کرده‌اند که این کتاب با هدف گردآوری کلیه تئوری‌های اصلی و مهم رشته مالی و حسابداری با بهره‌گیری از منابع فارسی، لاتین، مقاله‌های علمی و پژوهشی، و برای بهره‌مندی دانشجویان ارائه شده است و از این اثر به‌عنوان یک «دایرةالمعارف مالی» یاد کرده‌اند. باید خاطر نشان کرد، به‌دلیل گستردگی تئوری‌های حسابداری و مالی به‌طور مجزا، و نه آن هم به‌صورت یک‌جا، ارائه چنین مطالب اغراق‌آمیزی ممکن است تا حدودی برای دانشجویان رشته‌های مالی و حسابداری گمراه‌کننده باشد. مطلب بسیار مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که آیا اساساً ارائه یک کتاب تئوری صرفاً گردآوری تئوری‌های موجود در آن علم است! یا نه هدف از ارائه این دست کتاب‌ها می‌تواند کمک به دانشجویان برای تئوری‌سازی یا به‌عبارت‌بهرتر نظریه‌پردازی هم باشد.

۲.۲ مرور اجمالی کتاب

نویسندگان در پیش‌گفتار این اثر در بررسی اجمالی آن را برای بهره‌مندی دانشجویان معرفی کرده‌اند و کتاب در مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری توسط برخی استادان به صورت منبع معرفی می‌شود و، همان‌طور که می‌دانیم، کتاب‌های درسی باید در صد انطباق بسیار بالایی با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری داشته باشند. از طرفی، در مصوبات شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، برای نمونه، توان‌مندسازی دانشجویان در درک ماهیت تئوری و روش‌های استدلال از سرفصل‌های اصلی ارائه شده است (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، شورای عالی برنامه‌ریزی درسی ۱۳۹۳). به عبارت بهتر، دانشجویی که فرایند نظریه‌پردازی را نمی‌داند به چه شکل قرار است نظریه‌های موجود را درک کند. از یک دیدگاه، مناسب است که در این نوع کتاب‌ها ابتدا فصلی به نحوه تئوری‌پردازی اختصاص داده شود. البته باید اشاره کرد که تلاش نویسندگان در گردآوری و دسته‌بندی تئوری‌های هم‌سنخ در فصل‌های متعدد اقدام مثبتی است و در بررسی اجمالی این کار مثبت به چشم می‌خورد.

۳.۲ نقد شکلی اثر

اندازه کتاب ۱۶.۵×۲۳ سانتی‌متر است که متناسب با قطع وزیری (۱۷×۲۴) است و معمولاً برای چاپ کتاب‌های درسی از این قطع استفاده می‌شود. فونت به کار رفته بر روی جلد کتاب فونت «تیترا» است و برای متن داخل کتاب فونت «لوتوس» به کار رفته است. جلد کتاب اولین تأثیرگذاری را در مخاطب دارد و باید یک جریان بصری منسجم برای خواننده از جلد کتاب تا محتوای اصلی و متن پاورقی آن دیده شود. بنابراین، بهتر است فونت جلد کتاب از خانواده فونت استفاده شده در متن کتاب باشد.

در ذیل عنوان انگلیسی «Theories and Schools of Finance and Accounting» درج شده در پشت جلد کتاب، ترجمه کلمات «مشمول بر نظریات، فرضیات، مدل‌ها، تکنیک‌ها، و ابزارها» در داخل پارانتز ارائه شده که فاقد توجیه بصری و زیبایی است. هم‌چنین، در بخش‌های مختلف کتاب به وضوح مشکلات بصری و طراحی صفحات و جلد مشاهده می‌شود. تصویر روی جلد فاقد کتراست مناسب است و کیفیت تصویر نیز پایین است.

صفحه‌بندی کتاب تقریباً فاقد طراحی است و در برخی صفحات قسمت‌های انتهایی صفحات خالی هستند (صفحات ۳۲، ۱۲۰، و ۲۹۷) و برخی جدول‌ها، شکل‌ها، و نمودارها

خارج از حاشیه استاندارد قرار دارند (صفحات ۴۰۸، ۴۳۰، و ۴۷۶). به لحاظ نگارشی، تعداد اشتباهات نسبتاً کم است (صفحه ۱۴۰ واژه «سرمایه ی مالی») و با ویراستاری کامل این موارد نیز رفع می‌شود. البته، موارد بیش‌تری درخصوص رعایت فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها وجود دارد (مثلاً، در صفحه ۲۸ مشخص نموده است:). هم‌چنین، به برخی غلط‌های تایپی و املایی نیز می‌توان اشاره کرد. مثلاً، در پانویس صفحه ۱۲۲ و در عبارت «Parent compan» حرف «y» در انتهای کلمه «شرکت» تایپ نشده است؛ در صفحه ۵۲ عبارت «The prospective investors» به «سرمایه‌گذاران آتی» ترجمه شده است که معادل صحیح آن «سرمایه‌گذاران بالقوه» است؛ در صفحه ۶۰۱ عبارت «Foreign demand» به «تقاضای بیگانگان» ترجمه شده که عبارت صحیح آن «تقاضای خارجی» می‌تواند باشد.

۴.۲ ویژگی‌های فنی اثر

با لحاظ کردن ویژگی‌های طراحی، طرح روی جلد کتاب طرحی نامتناسب با محتوا جلوه می‌نماید. به عبارت بهتر، این طرح بیش‌تر متناسب با کتاب‌های دوره کارشناسی رشته‌های مالی و حسابداری است و جنبه‌های فنی را در ذهن تداعی می‌کند؛ در صورتی که موضوع و محتوای این کتاب ارائه تئوری‌های مالی و حسابداری است. هم‌چنین، رنگ روی جلد کتاب نیز آبی روشن است که به نظر می‌آید انتخاب رنگ‌های تیره‌تر برای کتاب‌هایی با موضوعات تئوری متناسب‌تر باشد.

باتوجه به محتوای کتاب، انتخاب می‌تواند برای چنین کتابی متناسب باشد، زیرا این نوع کتاب‌ها حاوی نمودار و جدول‌های زیادی نیستند و قطع وزیری برای این نوع محتواها بهتر از سایر قطع‌هاست.

نوع و اندازه قلم، باتوجه به محتوای کتاب، که آموزشی است، تا حدودی متناسب است. تعداد جدول‌ها، نمودارها، و شکل‌های مورداستفاده در کتاب بسیار کم است و این موارد کم هم به شکل بسیار ساده و بی‌روح ارائه شده‌اند و می‌توانستند بهتر از این ارائه شوند و به زیبایی محتوا کمک کنند.

در پانویس کردن کلمات متن ضعیف عمده‌ای که مشاهده می‌شود این است که معمولاً برای این‌که معادل پانویس در متن بهتر مشخص شود، کلمه یا عبارت مدنظر را ایتالیک یا کج می‌نویسند تا این امر موجب سردرگمی و ابهام خواننده نشود. هم‌چنین، در پانویس‌های لاتین مشاهده می‌شود که در برخی از آن‌ها حروف کوچک و بزرگ ابتدای کلمات رعایت

نشده است. معمولاً، برای اسامی افراد یا کشورها ابتدای کلمه با حروف بزرگ است و برای سایر معادل‌های لاتین حروف کوچک به کار می‌رود.

۵.۲ نقد محتوایی اثر

در این بخش خلاصه‌ای از نقد و تحلیل هریک از فصل‌های کتاب ارائه شده است. در نقد این فصل‌ها از نظر صاحب‌نظران این رشته بهره گرفته شده و کار ناقد در چهارچوب بررسی کتاب‌های متعدد تئوری صورت گرفته است. در این قسمت تلاش شده از اصل استدلال استفاده و انتقادات با توجه به توافق جمعی پیش برده شود. به طوری که از نظر دو نفر از استادان دانشگاه، که دروس تئوری حساب‌داری را تدریس می‌کنند و با کتاب آشنایی دارند، نیز استفاده شده است.

در فصل اول کتاب به تعریف تئوری به‌شکلی پراکنده پرداخته شده است و تعاریف ارائه‌شده نظم و ترتیب تاریخی ندارند. این مسئله در تعاریف مالی و حساب‌داری در ادامه فصل هم به چشم می‌خورد. در ارائه این نوع مطالب بهتر است نویسندگان محترم به سیر و ترتیب تاریخی تعاریف دقت کنند، زیرا در مسیر تاریخی تعریف مفاهیم معمولاً تعاریف کامل‌تر می‌شوند و در نتیجه ذهن خواننده با سیر تکاملی مفهوم و نقاط ضعف و قوت تعاریف قدیم و جدید آشنا تر می‌شود. هم‌چنین، بهتر بود به مقایسه دو مفهوم مدیریت مالی و حساب‌داری (هرچند در مقدمه) نیز پرداخته می‌شد. در ادامه مطالب (صفحه ۵) و در یک نمودار و به‌شکلی کلی و مبهم فرایند تدوین تئوری ارائه شده است و یکی از رؤس مهم این فصل، که به‌طور مفصل باید به آن پرداخته می‌شد، در این جا بیان نشده است. در صفحه ۸ و در ذیل عنوان «تئوری مالی» مطالبی در پاراگراف دوم در خصوص شکاف نظریه و عمل و در پاراگراف‌های بعدی در خصوص انواع مدل مطرح شده که با عنوان ارائه‌شده منطبق نیست. پس از ارائه مطالبی در خصوص تئوری حساب‌داری به تعریف حساب‌داری پرداخته شده که بیان‌گر این است که نظم و ترتیب درون‌فصلی رعایت نشده است. به‌طور کلی، مطالب فصل به‌شکلی پراکنده بیان شده است و نظم خاصی بر رؤس مطالب حاکم نیست. هم‌چنین، در انتهای فصل به خلاصه و جمع‌بندی مطالب پرداخته نشده و در انتهای فصل پرسشی نیز ارائه نشده است.

در فصل دوم به معرفی تئوری‌های حقوق صاحبان سهام پرداخته شده است. این تئوری‌ها شامل تئوری مالکانه، تئوری حقوق مازاد، تئوری وجوه، تئوری شخصیت، و سایر تئوری‌های مطرح در این زمینه است. در این فصل صرفاً به ارائه این تئوری‌ها پرداخته شده و به تحلیل

مقایسه‌ای این تئوری‌ها با یک‌دیگر کم‌تر پرداخته شده است. شایسته بود نویسندگان محترم در پایان فصل یک جمع‌بندی از انواع تئوری‌های حقوق صاحبان سهام نیز ارائه می‌کردند. هم‌چنین، بخش مهمی که می‌توانست برای این فصل در نظر گرفته شود بحث به‌کارگیری این تئوری‌ها در استانداردهای بین‌المللی حساب‌داری و استانداردهای حساب‌داری در ایران و به‌طور کلی کاربرد آن‌هاست. هم‌چنین، از جنبه اسلامی نیز باید به موضوع پرداخته می‌شد و دیدگاه اسلام در خصوص تئوری‌های مالکانه نیز مورد بحث قرار می‌گرفت، زیرا یکی از مباحث مهم در مکاتب مختلف اعم از سرمایه‌داری، کمونیسم، و اسلام و وجه افتراق آن‌ها به‌واقع همین مبحث مالکیت است و چه جایی بهتر از این فصل که به این مطالب پرداخته شود. با توجه به این‌که بیش‌تر محتواهای حساب‌داری و هم‌چنین مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی به مفهوم سود حداکثری برای صاحبان سرمایه تأکید دارند و غالباً دیدگاه‌های سرمایه‌داری را ترویج می‌دهند، پرداختن به این نوع موضوعات می‌تواند ارزش افزوده‌ای نسبت به مطالب گذشته ایجاد کند و آگاهی دانشجویان و پژوهش‌گران در این زمینه‌ها را افزایش دهد. به‌واقع مباحث مطرح‌شده در این فصل تکرار مطالب کتاب‌های قدیمی تئوری حساب‌داری است و ارزش افزوده‌ای مشاهده نمی‌شود.

در فصل سوم کتاب، در خصوص جنجال‌ترین مفهوم در حساب‌داری، یعنی «سود»، تئوری‌های مرتبط ارائه شده است. در این فصل نیز نظم و ترتیب درونی رعایت نشده و مطالب منابع قبلی البته در جاهایی هم به‌شکل ناقص مجدداً ارائه شده‌اند. مثلاً، در مبحث انتهای فصل و در خصوص هموارسازی سود اشاره مشخصی به مدیریت سود یا مفاهیمی چون محافظه‌کاری مشروط و نامشروط یا مفهوم کیفیت سود و بررسی جریان‌ات نقدی نشده است و مطالب در ذیل عنوان هموارسازی سود آورده شده‌اند که باید خاطر نشان کرد این مفهوم خود ذیل مفهوم مدیریت سود است. یا برخی اشتباهات در متن صورت گرفته که نشان‌دهنده کم‌دقتی به مطالب گردآوری شده بوده است، از جمله در صفحه ۱۴۱ مشاهده می‌شود که در توضیح مفهوم شماره ۴، یعنی «نگه‌داری یا حفظ ظرفیت تولید»، توضیحات مفهوم شماره ۳ ارائه شده است. به‌علاوه، سربرگ فصل به‌اشتباه عنوان فصل دوم را در بر دارد. هم‌چنین، همان‌طور که بیان شد، مفهوم سود از جمله مفاهیم اساسی در علم حساب‌داری و اقتصاد است و بررسی آن با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف مکاتب بشری در خصوص مفهوم سود از جمله دیدگاه مکتب اسلام نیز باید مدنظر قرار بگیرد و در این کتاب به این موضوع توجهی نشده است.

در فصل چهارم کتاب تئوری‌های ساختار سرمایه مطرح شده است. این تئوری‌ها نیز از جمله مهم‌ترین مباحث حساب‌داری و مربوط به عناصر و اجزای سمت چپ ترازنامه یا

صورت وضعیت مالی‌اند. مطالب ارائه‌شده در فصل در جهت عنوان فصل بوده و به‌شکل مناسبی ارائه شده است، اما در انتهای فصل مبحثی در خصوص «مزایا و منافع گسترش بورس اوراق بهادار» در صفحه ۱۹۸ بیان شده که گنجاندن این بخش در این فصل متناسب نیست.

در فصل پنجم تئوری‌های مربوط به ریسک و بازده مطرح شده‌اند. این تئوری‌ها بیش‌تر مربوط به بازار سرمایه بوده و شامل تئوری پورتفوی، تئوری قیمت‌گذاری آربیتراژ، و ... است. در این فصل صرفاً تئوری‌های مالی در خصوص ریسک و بازده مطرح شده‌اند و به نظریه‌های مطرح در خصوص بازده‌های حسابداری شامل ROA، ROE، و ... و رابطه این نسبت‌ها با شاخص‌های بازار اشاره نشده است. البته، در فصل ششم، به‌طور مثال در صفحه ۳۶۸ اشاره‌ای مختصر به این نسبت‌ها شده است (که البته ارائه آن در فصل ششم هم جای سؤال دارد)، اما نکته اساسی این است که ارائه مجرد تئوری‌ها و گردآوری آن‌ها در یک محتوا کمکی به پژوهش‌گران در خصوص یافتن سرنخ‌هایی برای پژوهش‌های آتی آن‌ها نمی‌کند. یکی از اساسی‌ترین مواردی که نویسندگان محترم در این کتاب می‌توانستند انجام دهند همین مورد می‌توانست باشد که بتوانند نظریات و پژوهش‌های مربوط به رابطه بین شاخص‌های مالی و حسابداری و تئوری‌ها و بحث‌های مربوط به کیفیت سود و جریان‌ات نقدی را برای پژوهش‌گران تبیین کنند.

فصل ششم در خصوص تئوری‌های ارزش‌یابی سهام است. ابتدا، با نگاهی اجمالی به مطالب فصل و با توجه به این که صرفاً مبحث ارزش‌یابی سهام مطرح نشده، بهتر بود عنوان فصل «تئوری‌های ارزش‌یابی قیمت اوراق بهادار» باشد یا با توجه به مطالب متعددی که در فصل بیان شده، از جمله ارزش سرقفلی، «تئوری‌های مرتبط با ارزش‌یابی» می‌توانست عنوان بهتری برای این فصل باشد و البته مطالب و تئوری‌های مرتبط نیز بیان شود. در ابتدای فصل و ذیل عنوان فصل برخی مفاهیم هم‌چون «تئوری آشوب» مطرح شده که درون فصل مشاهده نشد، البته این تئوری در فصل دهم ارائه شده است. هم‌چنین، در ارائه برخی مطالب دقت کافی انجام نگرفته است. مثلاً، در صفحه ۳۶۷ اشاره شده که سود تقسیمی توسط هیئت‌مدیره تعیین می‌شود؛ در صورتی که همان‌طور که می‌دانیم این سود توسط هیئت‌مدیره به مجمع عمومی پیش‌نهاد می‌شود.

در فصل هفتم به تئوری‌های مربوط به نرخ بهره پرداخته شده است. این فصل را می‌توان از جمله نوآوری‌های کتاب به‌شمار آورد، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در این فصل

نیز، همانند بحث‌های مربوط به فصول مربوط به سود و تئوری مالکانه و باتوجه به اهمیت بحث بهره و ربا در اسلام، نویسندگان محترم می‌توانستند به این مسئله بپردازند. امروزه، بحث تفکیک ربا در حاشیه سود و اساساً ربوی بودن معاملات، به دلیل تورم مطرح در جامعه، یکی از اساسی‌ترین بحث‌هایی است که باید از لحاظ نظری به آن پرداخت، زیرا بیش‌تر فعالان بازار در ایران مسلمان بوده‌اند و ارائه تئوری‌های مطرح و بحث درخصوص این موارد و ارائه تفسیرهای درست می‌تواند در آگاهی‌رسانی به افراد مؤثر باشد.

در فصل هشتم تئوری‌های مرتبط با حاکمیت شرکتی مطرح شده‌اند. ساختار فصل از نظم درونی و متناسبی برخوردار است و مطالب ارائه شده در جهت عنوان فصل هستند. در بخش ابتدایی فصل اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلام و در ایران نیز مطرح شده است که به غنای اثر افزوده و در ادامه به بحث درباره تئوری‌های مطرح در این زمینه شامل تئوری نمایندگی، تئوری قرارداد، تئوری ذی‌نفعان، و ... پرداخته شده است. اما بحث به‌کارگیری این تئوری‌ها در استانداردهای بین‌المللی حساب‌داری و استانداردهای حساب‌داری در ایران و به‌طور کلی کاربرد آن‌ها مسکوت مانده است.

در فصل نهم به تئوری‌های مالی پرداخته شده است. این فصل تقریباً از جامعیت لازم برخوردار است و نویسندگان محترم توانسته‌اند به تئوری‌های مهم مالی در این فصل بپردازند. اما کار برجسته‌ای که انجام گرفته و در فصل دهم نمود یافته این است که نویسندگان محترم سایر تئوری‌هایی را که در حوزه مالی و حساب‌داری کاربرد دارند و در ذیل عنوان سایر فصول کتاب نتوانسته‌اند قرار بگیرند در این فصل ارائه کرده‌اند. این کار باعث نزدیک شدن کتاب به جامعیت لازم در این حوزه شده است، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در ارائه این تئوری‌های مهم به خلاصه‌نویسی بهای بیش‌تری داده شده است و نویسندگان می‌توانستند تبیین‌های بیش‌تری ارائه دهند.

۳. ارزیابی نهایی اثر

۱.۳ بررسی ابعاد آموزشی اثر

در سرفصل‌های ارائه شده از سوی وزارت علوم برای مقطع کارشناسی ارشد رشته حساب‌داری، هدف از ارائه دروس تئوری ۱ و ۲ آشنایی دانشجویان با تاریخ عقاید حساب‌داری، بسط تئوری‌های حساب‌داری مالی، شیوه استدلال برای تدوین نظریه‌ها با تأکید بر چهارچوب مفهومی گزارش‌گری مالی، و مطالعه و نقد تحقیقات اثباتی در حساب‌داری بیان شده است

بررسی انتقادی کتاب مکاتب و تئوری‌های ... (کریم اسکندری و دیگران) ۳۲۵

(شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۳۹۳). هم‌چنین، در مقطع دکترای این رشته نیز آشنایی با انواع تئوری‌ها و شناسایی ابعاد مختلف و سیر تکاملی، مزایا و محدودیت‌ها و تئوری‌های پیشرفته و نوظهور، و بررسی چشم‌انداز آتی از جمله اهداف ارائه‌شده برای این درس است (شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۳۹۴). نویسندگان کتاب سعی کرده‌اند اهداف هر دو مقطع را پوشش دهند، اما، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، این کتاب بیش‌تر حالت گردآوری داشته و به ارائه شیوه‌های استدلال و تئوری‌پردازی توجهی نکرده است و در ارائه تئوری‌ها سیر تکاملی آن‌ها نیز به‌طور کامل رعایت نشده است.

درخصوص میزان استفاده از ابزارهای علمی مانند پرسش، همان‌طور که اشاره شد، در پایان فصل‌ها این مورد ارائه نشده است. درخصوص استفاده از جدول‌ها، نمودارها، و شکل‌ها میزان استفاده از این ابزارها بسیار محدود بوده و نتوانسته است تفهیم مطالب را آسان کند.

۲.۳ مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور

باتوجه به این‌که تئوری‌های حساب‌داری و مالی یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین موضوعات موردتوجه پژوهش‌گران و حتی مردم عادی (باتوجه به مسائل درخور توجهی چون تورم، بهره، و سود) در همه عرصه‌های مالی و حساب‌داری است، برای هرچه جذاب‌تر کردن اثر باید به کاربرد این تئوری‌ها در استانداردهای حساب‌داری ملی و بین‌المللی و هم‌چنین در بازار سرمایه و ... نیز پرداخته می‌شد. به عبارت بهتر، شکاف بین نظریه و عمل در عرصه جامعه و توجه به جنبه‌های کاربرد درست نظریه‌های درست یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان چنین کتاب‌هایی می‌تواند باشد.

۳.۳ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این اثر در ده فصل ارائه و در هر فصل به یک دسته از تئوری‌ها پرداخته شده است؛ به جز فصل یک که به تعاریف پرداخته و هم‌چنین فصل ده که در آن سایر تئوری‌های مطرح در حوزه‌های حساب‌داری و مالی، که در دسته‌های دیگر جای نمی‌گیرد، ارائه شده است. گرچه نظم و ترتیب درون‌فصلی برخی فصل‌ها رعایت نشده و ترتیب بین فصل‌ها نیز جای سؤال دارد، کار انجام‌شده درخصوص دسته‌بندی موضوعی منطقی است و تقریباً نقطه قوت اثر محسوب می‌شود.

۴.۳ میزان استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه‌شده در اثر

ارائه صرف تئوری‌ها در این اثر رویه‌ای غالب بوده و البته در جاهایی تحلیلی و تبیین‌های خوبی ارائه شده است، اما، به دلیل تلخیص زیاد، آن هم در جهت رسیدن به هدف جامعیت ارائه تئوری‌های متعدد، تبیین‌ها و تحلیل‌ها کمی آسیب دیده‌اند.

۵.۳ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و خارجی

در داخل متن و در پانویس‌ها معادل لاتین واژه‌های منتخب ارائه شده‌اند، اما به طور کلی اثر فاقد واژه‌نامه انتهایی کتاب یا فصل است. از مواردی که می‌توان به عنوان ضعف در این مورد به آن اشاره کرد به کاربرد حروف اختصاری لاتین در داخل متن فارسی است که موجب به هم ریختن نظم ادبی اثر شده است. بهتر است حروف اختصاری در کنار معادل کلمات در پانویس قرار بگیرد.

۶.۳ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی

در خصوص میزان رعایت اخلاق علمی، مؤلفان در هر فصل منابع مورد استفاده را تقریباً به صورت داخل متن درج کرده‌اند و زیبایی کار اثر هم در این است که منابع مورد استفاده در هر فصل به صورت فهرست منابع در آخر هر فصل به صورت مجزا آورده شده است. اما در خصوص جدول‌ها، شکل‌ها، و نمودارهای استفاده‌شده در داخل متن اصول رفرنس‌دهی رعایت نشده است.

۷.۳ هماهنگی اثر با ارزش‌های اسلامی - ایرانی

باتوجه به این که در سرفصل‌های وزارت علوم تأکید زیادی بر آموزه‌های اسلامی است و اساساً همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، به دلیل اهمیت تئوری‌های حسابداری و مالی از منظر دین اسلام، مشاهده می‌شود که به جز یک بخش کوتاه در خصوص اصول حاکمیت شرکتی از منظر اسلام در فصل هشتم در بقیه قسمت‌های کتاب به این موارد اشاره‌ای نشده و باید بیان کرد که هم‌سو کردن این اثر با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی، علاوه بر این که بر زیبایی و غنای اثر می‌افزاید، به دلیل اهمیت بنیادی نظریه‌های ارائه‌شده در اسلام در خصوص بهره و ربا و هم‌چنین

بررسی انتقادی کتاب مکاتب و تئوری‌های ... (کریم اسکندری و دیگران) ۳۲۷

اهمیت مباحثی چون مالکیت و سود از منظر دین اسلام، توجه به این مهم امری حیاتی می‌نمود که بدان توجه نشده است. هم‌چنین، همان‌طور که اشاره شد، توجه به کاربرد تئوری‌ها در استانداردهای حساب‌داری ایران و به‌دلیل اهمیت مباحث مطرح در تئوری‌های مالی و حساب‌داری در زندگی روزمره مردم شایسته بود که با ارائه مثال‌های عینی به کاربرد مصداقی نظریه‌ها در کشور نیز پرداخته می‌شد.

۸.۳ خلاقیت و نوآوری

دسته‌بندی موضوعی تئوری‌ها منطقی است و تقریباً به‌عنوان یک نوآوری نقطه قوت اثر محسوب می‌شود. هم‌چنین، همان‌طور که در پیش‌گفتار هم نویسندگان محترم اشاره کرده‌اند، سعی بر این بوده که کتاب از جامعیت لازم برخوردار باشد که این مورد نیز نشان‌دهنده خلاقیت به‌کاررفته در اثر است.

۹.۳ استفاده از منابع معتبر و داده‌های روزآمد

به‌نظر می‌رسد کتاب بیش‌تر جنبه گردآوری داشته است و لذا منابع به‌کاررفته تاحدودی قدیمی‌اند. آنچه به غنای این اثر می‌افزاید توجه به پژوهش‌های اخیر و به‌کارگیری منابع معتبر و روزآمد است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی انتقادی کتاب مکاتب و تئوری‌های مالی و حساب‌داری نوشته فریدون رهنمای رودپشتی و اله‌کرم صالحی پرداخته شد. روشن شد که اثر در برآورده‌کردن هدف توان‌مندکردن دانشجویان در شیوه استدلال برای تدوین نظریه‌ها و نظریه‌پردازی مطالب‌چندانی ارائه نکرده است. هم‌چنین، اثر از نظم منطقی در شکل کلی و نظم منطقی درونی نسبتاً کمی برخوردار است، اما می‌توان گفت دسته‌بندی موضوعی تئوری‌ها و تلاش برای جامع‌بودن کتاب منطقی بوده و تقریباً به‌عنوان یک نوآوری نقطه قوت اثر محسوب می‌شود. آنچه به غنای این اثر می‌تواند بیفزاید توجه به پژوهش‌های اخیر و به‌کارگیری منابع معتبر و روزآمد است. ناکافی‌بودن تبیین‌ها و مثال‌های روشن برای درک هرچه بهتر تئوری‌ها، استفاده بسیار کم از نظریه‌های اسلامی و سایر مکاتب، تحلیل مقایسه‌ای این تئوری‌ها با یک‌دیگر، و استفاده کم از

مسائل کاربردی از نقاط ضعف اثر است. به‌طور کلی، اثر از جنبه دست‌بندی تئوری‌ها و توجه به جامع‌بودن آن‌ها از خلاقیت و نوآوری لازم برخوردار است، اما برای نیل به این هدف باید تبیین‌ها و مثال‌های روشن با استفاده از منابع روزآمد ارائه شود و کیفیت فدای کمیت نشود. شاید ارائه این کتاب در دو جلد بتواند به این ضعف غلبه کند و لذا هم جنبه کمی هم جنبه کیفی را پوشش دهد. هم‌چنین، در پیش‌گفتار اثر، این کتاب برای بهره‌مندی دانشجویان معرفی شده و در مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری برخی استادان این کتاب را به‌صورت منبع معرفی می‌کنند و در شورای عالی وزارت علوم از جمله سرفصل‌های اصلی اشاره‌شده برای درس تئوری حسابداری، توان‌مندسازی دانشجویان در درک ماهیت تئوری، و روش‌های استدلال بیان شده‌اند. نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد درخصوص این موارد مطالب چندانی ارائه نشده و کتاب انطباق کمی با سرفصل‌های وزارت علوم دارد. نهایتاً می‌توان اشاره کرد که اثر از جنبه گردآوری و دست‌بندی تئوری‌ها از خلاقیت و نوآوری نسبی برخوردار بوده، ولی به‌لحاظ به‌کارگیری در آموزش تئوری نقاط ضعف عمده‌ای دارد.

۵. پیش‌نهادهای کاربردی

به‌منظور غنی‌سازی این اثر ارزش‌مند، پیش‌نهادهای زیر ارائه می‌شود:

- اضافه‌کردن بخش‌هایی برای تقویت و توان‌مندکردن دانشجویان در شیوه استدلال برای تدوین نظریه‌ها و نظریه‌پردازی و به‌طور کلی هم‌گام‌سازی آن با سرفصل‌های اصلی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری؛
- توجه به پژوهش‌های اخیر و به‌کارگیری منابع معتبر و روزآمد؛
- انعکاس مثال‌ها و تبیین‌های بیش‌تر و مقایسه تئوری‌ها با یک‌دیگر؛
- تلاش در جهت ارائه مطالب متناسب با نظریه‌های اسلامی و مقایسه آن با تئوری‌های دیگر و هم‌چنین ارائه مصداق‌های کاربردی نظریه‌ها در استانداردهای حسابداری و حوزه عمل حسابداری در عرصه ملی و بین‌المللی.

کتاب‌نامه

ره‌نمای رودپشتی، فریدون و اله‌کرم صالحی (۱۳۸۹)، مکاتب و تئوری‌های مالی و حسابداری، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

بررسی انتقادی کتاب مکاتب و تئوری‌های ... (کریم اسگندری و دیگران) ۳۲۹

شعبانی، شکوه و کاوه مهرانی (۱۳۹۸)، «نوع‌شناسی چهارچوب‌های سیر تکامل حساب‌داری از قرن ۱۵ تا ۱۹ (دوران گذار) در اندیشه مفسران تئوری مارکس»، مجله علمی دانش حساب‌داری، دوره ۶، ش ۳، ۲۶-۱.

عرب‌مازار، محمد و محمدحسین صفرزاده (۱۳۸۷)، «نوتجربه‌گرایی در قلمرو تئوری و تحقیق اثباتی حساب‌داری»، مجله حساب‌دار، دوره ۲۳، ش ۱۹۸، ۹-۳.

لاریمی، سیدجعفر، ابراهیم محسنی، و امید ایمانی خوش‌خو (۱۳۹۲)، «رویکردهای جدید تحقیقات حساب‌داری و تحول تئوری حساب‌داری»، نشریه مطالعات حساب‌داری و حساب‌رسی، دوره ۲، ش ۷، ۱۹-۱.

وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، شورای عالی برنامه‌ریزی درسی (۱۳۹۳)، برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته حساب‌داری.

وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، شورای عالی برنامه‌ریزی درسی (۱۳۹۴)، برنامه درسی دوره دکتری رشته حساب‌داری.

Baker, C. R. and M. S. Bettner (1997), "Interpretive and Critical Research in Accounting: a Commentary on its Absence from Mainstream Accounting Research", *Critical Perspectives on Accounting*, vol. 8, 293-310.

Bryer, R. A. (1993), "Double-Entry Bookkeeping and The Birth of Capitalism: Accounting for The Commercial Revolution in Medieval Northern Italy", *Critical Perspective on Accounting*, vol. 4, no. 2, 113-140.

Bryer, R. A. (2000), "The History of Accounting and the Transition to Capitalism in England, Part One: Theory", *Accounting, Organization and Society*, vol. 25, no. 2, 62-131.

Chua, W. F. (1986), "Radical Developments in Accounting Thought", *The Accounting Review*, vol. 61, no. 4, 601-632.

Collison, D. J. and G. M. Frankfurter (2000), "Are we Really Maximizing Shareholder's Wealth? or: What Investors Must Know When we Do", *The Journal of Investing*, vol. 9, no. 3, 55-62.

Collison, D. J. (2003), "Corporate Propaganda: its Implications for Accounting and Accountability", *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, vol. 16, no. 5, 853-886.

Collison, D. J., J. Ferguson, and L. A. Stevenson (2007), *Sustainability Accounting and Education*, Oxford: Routledge.

Ferguson, J. et al. (2005), "What are Recommended Accounting Textbooks Teaching Students about Corporate Stakeholders?", *British Accounting Review*, vol. 38, no. 1, 23-46.

Ferguson, J. et al. (2006), "Accounting Textbooks: Exploring the Production of a Cultural and Political Artefact", *Accounting Education: an International Journal*, vol. 15, no. 3, 1-18.

Ferguson, J. et al. (2007), "Exploring Accounting Educators' Perceptions of the Emphasis Given to Different Stakeholders in Introductory Textbooks", *Accounting Forum*, vol. 31, no. 2, 113-127.

- Ferguson, J. et al. (2008), *An Analysis of the Role of the Textbook in the Construction of Accounting Knowledge*, Edinburgh: ICAS.
- Gray, R. H., J. Bebbington, and K. McPhail (1994), "Teaching Ethics and the Ethics of Teaching: Educating for Immorality and a Possible Case for Social and Environmental Accounting", *Accounting Education: an International Journal*, vol. 3, no. 1, 51-75.
- Haniffa, R. and M. A. Hudaib (2011), "A Theoretical Framework for the Development of the Islamic Perspective of Accounting", *Accounting, Commerce & Finance: The Islamic Perspective Journal*, vol. 6, no. 1, 2, 1-71.
- Inanga, E. L. and W. B. Schneider (2005), "The Failure of Accounting Research to Improve Accounting Practice: a Problem of Theory and Lack of Communication", *Critical Perspectives on Accounting*, vol. 16, 227-248.
- Kelly, M. and M. Pratt (1994), "Management Accounting Texts in New Zealand: the Need for a Paradigm Shift", *Accounting Education: an International Journal*, vol. 3, no. 4, 313-329.
- Lee, T. (2013), "Reflections on the Origins of Modern Accounting", *Accounting History*, vol. 18, no. 2, 141-161.
- Littleton, A. C. (1928), "Paciolo and Modern Accounting", *The Accounting Review*, vol. 3, no. 2, 131-140.
- Mulawarman, A. D. and A. Kamayanti (2018), "Towards Islamic Accounting Anthropology: How Secular Anthropology Reshaped Accounting in Indonesia", *Journal of Islamic Accounting and Business*, vol. 9, no. 4, 629-647.
- Price, J. A. (2008), *Understanding Philosophy*, New York: Chelsea House Publications (In Persian).
- Puxty, A. G., P. Sikka, and H. Willmott (1994), "(Re)forming the Circle: Education Ethics and Accountancy Practices", *Accounting Education: an International Journal*, vol. 3, no. 1, 77-92.
- Riahi-Belkaoui, A. (2004), *Accounting Theory*, London: Thomson Learning.
- Said, E. W. (2003), *Orientalism*, Penguin (First Published in 1978), London.
- Singer, P. (2001), *Marx: A Very Short Introduction*, Oxford: Oxford University Press (In Persian).
- Velayutham, Sh. (2014), "'Conventional' Accounting vs 'Islamic' Accounting: the Debate Revisited", *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, vol. 5, no. 2, 126-141.
- Wolk, H. I., J. L. Dodd, and J. J. Rozycki (2008), *Accounting Theory*, Thousand Oaks, Calif: Sage.